



نشستی با حضور  
دو تن از طراحان  
سند تحول بنیادین  
آموزش و پرورش

# زندگی مطلوب یا حیات طیبه

گفت‌وگو از نصرالله دادار  
عکاس: غلامرضا بهرامی

## اشاره

«حیات طیبه» یکی از مهم‌ترین مفاهیم کلیدی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. اما بسیاری از فرهنگیان شناخت و تصور روشنی از مفهوم آن ندارند. تأسفبارتر اینکه، تصور و درک برخی هم ۱۸۰ درجه با مفهوم واقعی آن متفاوت و متضاد است. برای نمونه، عده‌ای بر این باورند که حیات طیبه اجباری و آخرتی است، در صورتی که طراحان سند تحول معتقدند حیات طیبه اختیاری و دنیایی است.

به منظور تبیین و تشریح مفهوم حیات طیبه و چگونگی تحقق آن در مدرسه‌های کشور، با حضور دو تن از طراحان و دست‌اندرکاران سند تحول، آقایان دکتر علیرضا صادق‌زاده، متخصص فلسفه تعلیم و تربیت و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، و دکتر محمد حسنی، متخصص فلسفه تعلیم و تربیت و عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش نشست برگزار کردیم. گزارش این نشست که با شرکت تعدادی از معلمان و اعضای شورای برنامہ‌ریزی مجله رشد معلم انجام گرفت، در دو شماره تقدیم مخاطبان گران قدر مجله می‌شود. گزارش اول این نشست را در ادامه می‌خوانید.

خصوصیاتی دارد، یا اینکه چرا با وجود ده‌ها واژه که در معارف دینی به زندگی مطلوب ناظر است، مانند قرب الی‌الله، عبد صالح، رضوان و عبودیت، ما واژه «حیات طیبه» را انتخاب کرده‌ایم؟ آنچه می‌خواهیم به‌عنوان حیات طیبه مطرح کنیم، ناظر

■ **دکتر صادق‌زاده:** در ابتدا ضروری می‌دانم شکر خدای مهربان را به جا بیاورم که شرایطی فراهم شد تا درباره یکی از مفاهیم کلیدی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یعنی «حیات طیبه»، بحث کنیم. سؤال شد که مفهوم حیات طیبه چیست و چه ویژگی‌ها و

دکتر حسنی:  
مخاطب حیات طیبه  
عام است، ولی  
می‌توان به آن برشی  
زد که دستمایه  
برنامه‌ریزان در  
حوزهٔ تعلیم و تربیت  
رسمی کشور قرار  
گیرد

مانند راستگویی، وفای به عهد، امانت‌داری و عدالت که موارد انسانی هستند و فطرت پاک و عقل سلیم آن‌ها را قبول می‌کند، به ایمان و به قول معروف گفتن شهادتین نیاز نیست.

من می‌خواهم بگویم، حداقل شرط شروع حیات طیبه ایمان نیست. اما این حیات، یک نکته دارد که در واقع نوعی از زندگی مطلوب است که در چارچوب دین قرار دارد و دین آن را می‌پذیرد.

باید توجه داشت، ما با نسل‌هایی از کودک، نوجوان و جوان کار می‌کنیم که ضرورتاً با ادلهٔ دینی، زندگی درون دینی و در محیط دینی زندگی نکرده‌اند، اما فطرت پاک و عقل سلیم دارند. پس ما باید نقطهٔ شروع و عزیمت‌مان را برای جهت‌دهی ارزشی نسل نوجوان و جوان جایی قرار دهیم که شک و شبهه در آن نیست. یعنی اگر ما از امور و ارزش‌های انسانی و عقلانی شروع کنیم، قطعاً بدون دردسر و بدون چون و چرا جلو خواهیم رفت. البته منظور من از عقل آن است که دین قبول می‌کند، و نه عقل جزئی.

پس آنچه من از حیات طیبه برداشت می‌کنم، یک زندگی مطلوب در دنیاست که ذومراتب است. در مراتب اولیه‌اش می‌تواند از زندگی سالم انسانی شروع شود و در مراتب بالاتر، اعتلا پیدا کند. البته ما نظام معیار ربوبی را بر کل مراتب این زندگی حاکم می‌دانیم، اما برخی از این مراتب تأییدی و برخی تأسیسی هستند. این کلیات مفاهیم حیات طیبه بود که مصداق‌های آن بسیار گسترده‌اند و جامعیت دارند. حیات طیبه هم بعد فردی دارد و هم بعد جمعی. هم بعد رابطه با خدا دارد و هم بعد رابطه با انسان‌های دیگر. هم رابطه با طبیعت دارد و هم رابطه با خود.

حیات طیبه مفهومی فروگاسته به یکی از جنبه‌های زندگی نیست و همهٔ مسائل و ارزش‌های زندگی را پوشش می‌دهد. در مفهوم حیات طیبه لذت‌بخشی، گوارایی، جذابیت، عشق، علاقه، محبت، عاشقی و جنبه‌های عاطفی وجود دارد. به همین دلیل ما کلمهٔ طیب را ترجمه نکردیم، چون نتوانستیم واژه‌ای فارسی که همهٔ ابعاد طیب را پوشش دهد، پیدا کنیم. ما هدف تربیت را حیات طیبه نمی‌دانیم، بلکه هدف تربیت آماده کردن یا آماده شدن برای حیات طیبه است.

دکتر حسنی: سؤال شد چرا ما نوعی انتقال مفهومی کردیم و

به چند عنصر است: اولین نکته اینکه، در نگاه اسلامی، حتماً یک وضع مطلوب برای زندگی انسان در نظر گرفته شده است و حیات طیبه، برخلاف برخی تصورات که آن را آخرتی می‌پندارند، امری دنیایی است و در همین دنیا حاصل می‌شود نه بعد از مرگ و آخرت.

نکتهٔ دوم این است که حیات طیبه، به مفهومی که ما در نظر داشته‌ایم، رد کردن حیات طبیعی نیست، بلکه اعتلا بخشیدن به حیات طبیعی است و رنگ و بوی دینی و الهی پیدا می‌کند. البته ما به نگاه انتزاعی و زهدورزی قائل نیستیم، بلکه معتقدیم که انسان باید زندگی کند و از منابع و نعمت‌های دنیایی استفاده کند و لذت ببرد. اما در عین حال که از خوبی‌های دنیا و زندگی بهره می‌برد، باید در زندگی حیوانی نماند و فراتر برود. مهم این است که حیات طیبه امری انتخابی و اختیاری است و نمی‌توان کسی را به آن مجبور کرد.

نکتهٔ دیگر اینکه ما حیات طیبه را به صورت صفر و یک نمی‌بینیم که بگوییم حیات طیبه یا هست یا نیست، بلکه بیشتر آن را به صورت طیف می‌بینیم و وقتی آن را طیف بینیم، یعنی سلسله مراتبی دارد که از حداقل‌ها شروع می‌شود و به سمت بالا حرکت می‌کند.

در نگاه حیات طیبه، خیلی از چیزهایی که انسان با فکر، تجربه و اندیشهٔ خودش به دست آورده است تأیید می‌شود. یعنی عقل و فطرت سلیم و آنچه با تفکر بشر به دست می‌آید، ارزشمند است و نظام معیار ما تنها آن چیزهایی نیست که دین آورده و تأسیس کرده است، بلکه بیشتر آن چیزهایی است که عقل سلیم بشری به آن رسیده و دین آن‌ها را تأیید کرده است. خیلی از احکام و ارزش‌هایی که در حیات طیبه مطرح‌اند، از نوع ارزش‌های انسانی هستند که دین هم آن‌ها را تأیید می‌کند.

نکتهٔ دیگر که باید به آن اشاره کنم، این است که برخی افراد فکر می‌کنند حیات طیبه مخصوص آدم‌های مؤمن است. ولی ما در مبانی نظری سند تحول کمی جرئت کردیم و حرفی زدیم که کمی با این تفکر متفاوت است. ما گفتیم،

اگر حیات طیبه بخواهد وجه کاملی را که سعادت آخرت هم در آن باشد، دنبال کند، حتماً ایمان می‌خواهد. اما برای مراتبی از حیات طیبه که ما آن را مراتب پیش‌نیاز می‌دانیم،



دکتر صادق‌زاده:  
برخلاف برخی  
تصورات، حیات  
طیبه امری آخرتی  
نیست و در همین  
دنیا حاصل می‌شود

از مفاهیمی مانند قرب الی الله، پرورش عبد صالح، عبودیت، تزکیه و رضوان که هم‌عرض مفهوم حیات طیبه هستند، به سمت حیات طیبه آمدیم؟

این مسئله بسیار مهمی است که واقعاً چه اتفاقی در افکار و اندیشه‌های ما رخ داد که ما هدف تربیت اسلامی را (که شاید نسل اول چنین برداشتی داشتند که ما باید انسان‌های صالح، پرهیزگار و کامل تربیت کنیم) تبدیل کردیم به یک مفهوم نزدیک به زندگی؛ مفهومی که ذومراتب بودنش، قابلیت تحقق آن را بیشتر می‌سازد و در عین حال که مخاطبش عام است، می‌توان به آن برشی زد که دستمایه برنامه‌ریزان حوزهٔ تعلیم و تربیت رسمی کشور قرار گیرد. روایتی از معصوم است که می‌فرماید: «من لا معاش له، لا معاد له».

این روایت بیانگر آن است که اگر می‌خواهیم انسانی تربیت کنیم که آخرت‌گرا باشد، باید در این دنیا تابع ملاک و معیارهای مناسبی برای زندگی باشد. زندگی مطلوب در این دنیا شرط لازم برای دنیای اخروی است. پس تعلیم و تربیت باید موقوف به فراهم کردن یک شرایط زیست درست در این دنیا باشد تا معاد محقق شود. شاید دلیل مهم اینکه ما از برخی مفاهیم و واژه‌ها به سمت حیات طیبه حرکت کردیم، همین روایت بود. این روایت موجب شد ما به دنبال واژه‌هایی برویم که به مفهوم زندگی توجه دارند. اتفاقاً در مسیر بررسی‌هایمان، به مفهوم زندگانی پاک آقای دکتر **خسرو باقری** و نظریهٔ حیات معقول مرحوم **علامه جعفری** برخوردیم که حرکتی خوب و سازنده در هدف‌گذاری برای تعلیم و تربیت بود. البته در این مسیر به نظر فیلسوفان دیگری مثل **آقای برودی** که آمریکایی است و زندگی خوب را هدف قرار داده و ابعاد زندگانی خوب را از منظر عقلانی مورد توجه قرار داده است نیز برخوردیم.

این‌ها دلایل محکمه‌پسندی شدند تا ما مفهوم جدیدی به نام «حیات طیبه» را برگزینیم که آقای دکتر صادق‌زاده ویژگی‌های آن را برشمردند و دستمایهٔ بسیار باارزشی برای کار در حوزهٔ تعلیم و تربیت است.

ما معتقدیم، حیات طیبه ذوابعاد است. ما نه آن نگاه مذهبی تند را قبول داریم که می‌گوید ما می‌خواهیم بچه‌ها را مانند آیت‌الله بهجت به عارف و انسان کامل تبدیل کنیم، و نه آن نگاه را که از غرب به ما رسیده است و می‌خواهد بچه‌ها را صرفاً برای

شغل آماده کند و تعلیم و تربیت را به آماده کردن بچه‌ها برای بخش‌های اقتصادی فرو کاسته است.

ما معتقدیم، حیات طیبه به همهٔ ابعاد اخلاقی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توجه دارد و کاری می‌کنیم که بچه‌ها برای همهٔ ابعاد زندگی آماده شوند.

میل فطری انسان این است که زندگی استعلا یافته داشته‌باشد. به‌طور طبیعی، هیچ انسانی دوست ندارد به خاک بچسبد و در سطح طبیعی زندگی کند.

هیچ پیامبر یا دانشمند منصفی و هیچ فیلسوفی، حتی **اپیکور**، که به‌عنوان فیلسوفی لذت‌گرا معروف است، سعادت را فقط در زندگی مادی نمی‌بیند. اپیکور هم معتقد است لذت‌ها در سطوح بالا هم قرار دارند و می‌توان به آن لذت‌های دست بالا رسید و استعلا پیدا کرد، اما برای اینکه استعلا پیدا کنیم، قطعاً باید حد و حدودی در زندگی‌مان قائل باشیم.

من در جایی جمله‌ای پیدا کردم که بسیار باارزش بود. جمله این بود: «جاده‌ای که شما را به هدف نرساند، جاده نیست». یعنی جاده باید حد و حدود داشته باشد. این حد و حدود است که شما را به هدف می‌رساند. این حد و حدودها می‌توانند همان معیارها باشند. ما در معیارهایمان، به‌خصوص در حوزهٔ اخلاق، به شدت بر این باوریم که اخلاق یک معیار پیش‌ادینی برای حیات طیبه است که دین هم آن را تأیید می‌کند.

یعنی اگر ما بخواهیم حیات طیبه را به سمت حیات دینی سوق دهیم، حتماً باید از ساحت اخلاقی بگذرد و اگر نگذرد، آن دین نیست و همان چیزهایی است که به اسم دین می‌بینیم و به بهانهٔ دین، آدم‌ها را آتش می‌زنند، زن‌ها را خرید و فروش می‌کنند و...

پس اگر قرار است حیاطمان را در مسیر رسیدن به ساحت دینی سوق دهیم، حتماً از مسیر ارزش‌های اصیل اخلاقی که عقلانی و جهانی است، می‌گذرد؛ مثل ارزش امنیت، پاکیزگی، راستگویی و ارزش‌های اخلاقی دیگر که مقدمات حرکت

در مسیر دینی هستند. در آیات قرآن به صراحت اعلام شده که ایمان مستلزم امنیت است. پس امنیت می‌تواند ملاکی برای حیات طیبه باشد.

